

■ صفحه گام دوم انقلاب کوششی است رسانه‌ای جهت تبیین و شرح بیانیه رهبر معظم انقلاب اسلامی حضرت آیت‌الله‌عظمی خامنه‌ای(مدظله‌العالی) به مناسبت چهل‌وسومین سالگرد پیروزی انقلاب و در هر شماره، فرازی از بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی را مورد بررسی قرار می‌دهیم. شنبه‌های هر هفته در تبیین این بیانیه با ما همراه باشید.

قدم به قدم با بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی (۳۰)

عدالت و مبارزه با فساد مبنای تحقق نظام اسلامی

مواقعی پیش می‌آید که فردی که منسوب به مسئولی است، جرائم بزرگ اقتصادی یا امنیتی انجام می‌دهد که منافع ملی را خدشه‌دار می‌کند که این جرائم موجب ایجاد احساس نگرانی و بی‌عدالتی در بین مردم می‌شود. هر قدر که آن جرم، موجب جرحیده‌دار شدن احساسات شده یا اینکه منافع ملی را خدشه‌دار و در معرض تهدید قرار داده‌است، بر خورد یا مجرمان نیز می‌تواند تا حدود زیادی این احساسات را بازگرداند و اسباب آرامش روانی جامعه را فراهم و همدلی و انسجام ملی را تقویت کند

■ **عدالت و انقلاب اسلامی**

«عدالت» را می‌توان به عنوان یکی از مهم‌ترین و محوری‌ترین مفاهیم کلان‌گفتمان انقلاب اسلامی دانست. در واقع یکی از عوامل خیزش انقلابی ملت ایران در برابر نظام ستم‌شاهی گسترش تبعیض اجتماعی، سیاسی و اقتصادی و عدم توجه به افشار پایین‌دست جامعه بود. «عدالت» آرمانی بلندو انسانی است و کمتر فرد یا جامعه‌ای را می‌توان پیدا کرد که در بی‌تحقق این آرمان نباشد. خداوند در قرآن، هدف از ارسال رسل با معجزات و انزال کتب آسمانی و میزان را ترغیب مردم به قیام برای برقراری «قسط و عدل» برمی‌شمارد و در واقع، غایت حکومت مطلوب باورمندان به توحید را در تحقق «عدالت» می‌داند. در کنار این موضوع درباره اهمیت مسئله «عدالت» می‌توان از اهمیت بالایی آن در مکتب تشیع به عنوان یکی از عوامل محوری بسودن آن در کلان‌گفتمان انقلاب اسلامی اشاره کرد. به قطع می‌توان یکی از انگیزه‌ها و نیز اهداف انقلاب اسلامی را تحقق عدالت و ریشه‌کن کردن ظلم و ستم در تمامی ابعاد و از بین بردن تبعیض در تمامی حوزه‌ها دانست. اهمیت بی‌شمار اصل تا جایی است که تحقق عدالت اجتماعی به عنوان غایت حرکت جامعه اسلامی معرفی شده‌است. بر اساس آموزه‌های اسلام، نام تحقق جامعه اسلامی بدون برقراری عدالت غیرممکن است و یکی از اهداف بزرگ انبیاء(ع)، تأمین برقراری عدالت در جامعه بوده تا زمینه رشد مردم و رسیدن آنان به تعالی فراهم شود. «فقد ارسلنا رسلنا بالبیانات و ازنا ما مهم الکتاب و المعیزان ليقوم الناس بالقسط، ما رسولان خود را با دلایل روشن فرستادیم و با آنها کتاب و میزان نازل کردیم تا مردم قیام به عدالت کنند.»^[۱]

مفهوم محوری «عدالت» به عنوان یکی از مهم‌ترین مفاهیم کلان‌گفتمان انقلاب اسلامی همواره به عنوان یکی از مهم‌ترین مطالبات گفتمانی انقلاب اسلامی مطرح بوده و از سوی جریان مؤمن انقلابی مورد توجه قرار داشته‌است. گفتمان سازی عدالت و تحقق آن در جامعه دارای ابعادی است که با تحقق آنها می‌توان نسبت به تحقق «عدالت» در جامعه امیدوار بود. به عبارت دیگر عدالت دارای ابعادی است که مطالبه آنها شکل‌گیری گفتمان عدالت در جامعه و عملیاتی شدن آن را نوید خواهد داد. به جرت می‌توان مهم‌ترین پیامدهای گسترش بی‌عدالتی در هر جامعه‌ای را فقر، فساد و تبعیض دانست. در جامعه‌ای که عدالت به کنتر نهاده شده و بی‌عدالتی به صورت محتوایی و ساختاری در آن رشد کند، زمینه تعمیق فقر، فساد و تبعیض به وجود می‌آید. گفتمان انقلاب اسلامی از بدو شکل‌گیری خود همواره رسیدن به جامعه‌ای عادلانه و عاری از فقر، فساد و تبعیض را پیگیری کرده‌است. در بررسی این سه‌موضوع می‌توان گفت که فساد اقتصادی و تبعیض در عرصه اقتصادی و اجتماعی عوامل به‌وجودآورنده فقر در جامعه هستند. بر این مبنا راه‌ز بین‌رفتن فقر، بستن راه رشد فساد اقتصادی و تبعیض است. مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) به عنوان پرچمدار و هدایت‌کننده انقلاب اسلامی همواره بر مبارزه با فقر، فساد و تبعیض تأکید کرده‌اند. از دیگر مصادیق مهم تسری عدالت در جامعه، گسترش «عدالت قضایی» است. از این رو خداوند در آیه۵۸ نساء، دستور به رعایت عدالت در مقام صدور حکم داده‌است. قرآن در تبیین هدف رسالت جهانی پیامبر خاتم(ص)، مأموریت او را اجرای عدالت دانسته و فرموده‌است: «قل انما انزل الله من کتاب و امرت لاعدل بین الناس ان تحکموا بالعدل»

و... ممکن است نتوانند یکسان بهره‌مند شوند؛ از این منظر وظیفه دولت اسلامی زمینه‌سازی برابر سازی فرصت‌ها و امکانات برای رسیدن تک‌تک اعضای جامعه به سطح قابل‌قبول و شایسته از نعمت‌ها و مواهب الهی و امکانات مادی زندگی است. گفتمان انقلاب اسلامی با توجه به عدالت اقتصادی و تحقق آن در جامعه که زمینه‌بهبود وضعیت رفاهی و معیشتی مردم را فراهم می‌کند. به عبارتی گفتمان انقلاب اسلامی نگاه توأمان و هم‌زمان به دنیا و آخرت دارد و همان‌گونه که ساخت آخرت و سرای باقی را مهم می‌شمارد، رفاه و آسایش دنیوی جامعه را هم مدنظر دارد که عدالت اقتصادی یکی از ابزارهای تحقق این هدف است. ساده‌زیستی مسئولان و مبارزه با اشرافی‌گری یکی از محورهای مهم مفهوم «عدالت» در گفتمان انقلاب اسلامی است. انقلاب اسلامی که از بطن اسلام نابع نفع‌گرفت و هویت‌یافت، با تأسی از روح عدالت‌خواهی اسلام و به ویژه مشی ساده‌زیستی مولای متقیان امام علی(ع) همگان را به مبارزه با اشرافی‌گری و زندگی اشرافی فراخواند. این روحیه به ویژه در نفی الودگی حاکمان دولتمردان به اشرافیت و خوی کاخ‌نشینی خود را بیشتر نشان داد. حضرت

گام دوم

گام دوم، ۱۳۴۸ تا ۸۸۴

عدالت و مبارزه با فساد

این دو لازم و ملزوم یکدیگرند. فساد اقتصادی و اخلاقی و سیاسی، توده چرکین کشورها و نظام‌ها و اگر در بدنه حکومت‌ها عارض شود، زلزله ویرانگر و ضربه‌زننده به مشروعیت آنهاست و این برای نظامی چون جمهوری اسلامی که نیازمند مشروعیتی فراتر از مشروعیت‌های مرسوم و مبنایی تر از مقبولیت اجتماعی است، بسیار جدی تر و بنیاتی‌تر از دیگر نظام‌هاست. سوسه مال و مقام و ریاست، حتی در علّوی‌ترین حکومت تاریخ یعنی حکومت خود حضرت امیرالمؤمنین(ع) کسسانی را لغزاند. پس خطر بروز این تهدید در جمهوری اسلامی هم که روزی مدیران و مسئولانش مسابقه زهد انقلابی و ساده‌زیستی می‌دادند، هرگز بعید نبوده و نیست و این ایجاب می‌کند که دستگاهی کارآمد با نگاهی تیزبین و رفتاری قاطع در قوای سه‌گانه حضور دائم داشته باشد و به معنای واقعی با فساد مبارزه کند. به ویژه در درون دستگاه‌های حکومتی، البته نسبت فساد در میان کارگزاران حکومت جمهوری اسلامی در مقایسه با بسیاری از کشورهای دیگر و به خصوص با رژیم طاغوت که سر تا پا فساد و فساد پرور بود، بسی کمتر است و بحمدالله مأموران این نظام غالباً سلامت خود را نگاه داشته‌اند. ولی حتی آنچه هست غیرقابل قبول است. همه باید بدانند که طهارت اقتصادی شرط مشروعیت همه مقامات حکومت جمهوری اسلامی است. همه باید از شیطان حرص بر حذر باشند و از لقمه حرام بگریزند و از خداوند در این باره کمک بخواهند و دستگاه‌های نظارتی و دولتی باید با قاطعیت و حساسیت، از تشکیل نطفه فساد پیشگیری و با رشد آن مبارزه کنند. این مبارزه نیازمند انسان‌هایی با ایمان و جهادگر و



مرور بر خی مطالبات سال‌های اخیر رهبر انقلاب از قوه قضائیه

رویکرد تحولی در قوه قضائیه را ادامه دهید	
۱۳۹۰/۰۴/۰۷	
با فساد در درون قوه مبارزه کنید	
۱۳۹۹/۰۴/۰۷	
نظارت در درون قوه قضائیه باید ده برابر افزایش پیدا کند	
۱۳۹۷/۰۴/۰۶	
همه وظایف قوه قضائیه را به صورت متوازن پیگیری کنید	
۱۳۹۹/۰۴/۰۷	
کاری کنید دسترسی مردم به قوه قضائیه آسان شود	
۱۳۹۹/۰۴/۰۷	
برای نظارت‌های مردمی زیرساخت حقوقی درست کنید	
۱۳۹۹/۰۴/۰۷	
با کار عملی و تبلیغاتی، اعتماد مردم را به قوه قضائیه جلب کنید	
۱۳۹۷/۰۴/۰۶	
گوش شنوا نسبت به شاکی و متهم داشته باشید	
۱۳۹۸/۰۴/۰۵	
در تخصصها به غفو گذشت توصیه کنید	
۱۳۹۸/۰۴/۰۵	
رفتن بین مردم راترک نکنید	
۱۳۹۰/۰۴/۰۷	

امام خمینی(ره) در سال‌های ابتدایی انقلاب و سقوط حکومت طاغوت تا روزهای پایانی عمر بابر کتک‌شان بارها به تبیین دلایل سرنگونی حکومت طاغوت و علت نابودی آنها اشاره می‌کردند و در سخنان که شرافیت و ثروت‌اندوزی مسئولان سبب انحطاط و نابودی حکومت پهلوی شده‌است، ایشان مال‌اندوزی را آفت خطرناکی برای جامعه می‌دانستند، زیرا وقتی که اشراف متصدی امور یک کشور شدند، اینها مردم را به حساب نمی‌آورند. اشراف، افکارشان تماماً متوجه این مسائل است که باید مدام بر ثروت خود بیفزایند و این دغدغه، سبب جدا شدن اشراف از مردم و کسب ثروت از هر طریقی می‌شود.

مقام معظم رهبری در امتداد راه حضرت امام(ره) بر تحقق اصل «عدالت» در تمامی عرصه‌های اجتماعی همواره تأکید کرده‌اند، چراکه ایشان نیز همانند آن امام(ره)، نبود عدالت را مانعی مهم در رسیدن نظام اسلامی به اهداف متعالی خود می‌دانند. بنابراین راه‌های تحقق «عدالت» به عنوان یکی از مهم‌ترین و اصلی‌ترین مبانی حفظ و تعالی نظام اسلامی، توجه خاصی داشته‌اند.

ایشان با اشاره به جایگاه این اصل در مکتب سیاسی و فکری امام معتقدند باید عدالت اجتماعی و پُر کردن شکاف‌های طبقاتی در همه برنامه‌های حکومت، در قانونگذاری، در اجسرا و در قضا، مورد نظر و هدف باشد. به اعتقاد ایشان اگر ما بگوییم کشور را اثر و متند می‌کنیم، اما ثروت‌ها در گوشه‌ای به نفع یک عده انبار شود و عده کثیری از مردم نیز دست‌شان خالی باشد، نه با مکتب سیاسی امام نمی‌سازد. پُر کردن شکاف اقتصادی در بین مردم و رفع تبعیض در استفاده از منابع گوناگون ملی در میان طبقات مردم، مهم‌ترین و سخت‌ترین مسئولیت است و همه بر نامه‌ریزان، قانونگذاران، مجریان و همه کسانی که در دستگاه‌های گوناگون مشغول کار هستند، باید این موضوع مورد توجه قرار دهند و یکی از مهم‌ترین شاخص‌های حرکت خود به حساب آورند.^[۲]

■ **مسئله فساد و مبارزه با آن**

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، امیبه‌های زیادی در مورد ریشه‌کنی فساد، در دل مردم ایجاد شد. هر



نظارت قانونی بر رفتار همه کسانی که به نحوی یا بیت‌العمال مسلمین در از تباط فساد و خیانت اقتصادی کارگزاران بسیار سختگیر بودند. ایشان در نامه‌ای به مندرین جارود عبیدی ضمن برکناری او از ستمش به دلیل خیانت اقتصادی چنین می‌فرماند: «شستر خاناته و بند کفش تو از تو بازارش تراست و کسی که همانند تو باشد، نه لیاقت پاسداری از مرزهای کشور را دارد و نه با شریک در امانت باشد یا از خیانتی دور ماند، پس چون این نامه به دست تو رسد، نود من بیا.»^[۳]

برای ریشه‌کن شدن فساد در کشور که شاه‌کلید گرایش بسیاری از مشکلات اقتصادی و اجتماعی جامعه است، نیازمند اصلاحات نهادی عظیمی هستیم، از جمله:

۱. نظام قضایی کارآمد: یکی از مهم‌ترین عوامل مبارزه با فساد، وجود یک دستگاه قضایی کارآمد و قضات لیسوز و پاک‌دست است.
۲. نهادهای نظارتی کارآمد: نهادهای نظارتی که به موجب قانون، وظیفه نظارت بر دستگاه‌های دولتی را دارند، متأسفانه در وظایف خود، کوتاهی کرده و فساد را در نطفه خفه نمی‌کنند. مسامحه یا حتی همگاری با عوامل فساد از دیگر نقائص ضعف این دستگاه‌هاست.
۳. برخورد شدید با مدیران فاسد و اعمال مجازات‌های بازدارنده: مجازات‌های سنگین و بازدارنده و برخورد با مفسدان کوچک، راه را برای فسادهای بزرگ و مفسدان دانه‌درشت سخت خواهد ساخت.
۴. رواج اخلاقیات در جامعه: متأسفانه کم‌رنگ شدن فضایل اخلاقی و دینی در جامعه موجب شده‌است افراد را وادار می‌سازد برای داشتن چهره موچه در نظر دیگران، به راه‌های غیرشرعی برای کسب‌روزی دست بزنند و این موضوع در سطح کلان فاجعه‌بار است.
۶. کمک و رونق تولید و عدم وابستگی به نفت: در جامعه‌ای که تولید در آن جایگاهی ندارد و از حمایت‌های لازم بر خوردار نیست و برعکس فضا برای متساعیل کاذب، دلالتی و اقتصاد زیرزمینی فراهم است، شیوع فساد هم تعبیر آن نخواهد بود. وابستگی شدید به نفت، اقتصاد را رانتهی خواهد کرد و در چنین اقتصادی، سر باز کردن خم‌های چرکی ناشی از فسادهای کلان، دور از انتظار نیست.

۱- سوره حدید/آیه ۲۵

۲- بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۹۱/۱۲/۱۳

۳- نامه ۲۱ نهج‌البلاغه

منبع الطبع با دستانی پاک و دل‌هایی نورانی است. این مبارزه بخش اثرگذاری است از تلاش همه‌جانبه‌ای که نظام جمهوری اسلامی باید در راه استقرار عدالت به کار برد. عدالت در صدر هدف‌های اولیه همه‌بعثت‌های الهی است و در جمهوری اسلامی نیز دارای همان شأن و جایگاه است. این، کلمه‌ای مقدس در همه‌زمان‌ها و سرزمین‌هاست و به صورت کامل، جز در حکومت حضرت ولی‌عصر(ارواح‌نافه) میسر نخواهد شد ولی به صورت نسبی، همه جا و همه وقت ممکن و فریضه‌ای بر عهده همه به ویژه حاکمان و قدرتمندان است. جمهوری اسلامی ایران در این راه گام‌های بلندی برداشته‌است که قبلاً بدان اشار‌های کوتاه رفت و البته نه توضیح و تشریح آن باید کارهای بیشتری صورت گیرد و توطئه‌واژگونه‌نمایی و لااقل سکوت و پنهان‌سازی که اکنون برنامه جدی دشمنان انقلاب است، خنثی گردد. با این همه، اینجانب به جواتان عزیزی که آینده کشور، چشم‌انتظار آنهاست صریحاً می‌گویم آنچه تاکنون شده با آنچه باید می‌شده و بشود، دارای فاصله‌ی ژرف است. در جمهوری اسلامی، دل‌های مسئولان به طور دائم باید برای رفع محرومیت‌ها پتید و از شکاف‌های عمیق طبقاتی به شدت بیمناک باشد. در جمهوری اسلامی کسب ثروت نه تنها جرم نیست که مورد تشویق نیز هست، اما تبعیض در توزیع منابع عمومی و میدان دادن به ویژه خواری و مدارا با فریبگران اقتصادی که همه‌به‌بی‌عدالتی می‌انجامد، به شدت ممنوع است. همچنین غفلت از قشرهای نیازمند حمایت، به‌هیچ‌ور مورد قبول نیست. این سخنان در قالب سیاست‌ها و قوانین، بارها تکرار شده‌است ولی برای اجرای شایسته آن، چشم امید به شما جوان‌هاست و اگر زمام اداره بخش‌های گوناگون کشور به جوانان مؤمن و انقلابی و دانا و کاردان- که بحمدالله کم‌نیستند- سپرده شود، این امید برآورده خواهد شد، ان‌شاءالله.

و حشنتاکی مانند مافیا شود. فساد گسترده و فراگیر، یکی از نشانه‌های ضعف حاکمیت است و موجب دلسردی آحاد مردم از کار و تلاش صادقانه و مولد شده و به فعالیت‌های سودجویانه، ارتشارات خواری، اختلاس و کلاهبرداری منتهی خواهد شد و اقتصاد یک کشور را ویران خواهد ساخت. طبق تعریفی که در سال ۱۹۹۳ میلادی برای اولین‌بار توسط شیلفر و وشینی ارائه شده، فساد عبارت است از: استفاده از اموال دولتی در جهت نفع شخصی. اگر مسئولان رده‌بالا یا مدیران ارشد یک بخش خصوصی به نوعی فاسد باشند و در بین زیرمجموعه خود مشهور به این اعمال شوند، دیگر کمتر می‌شود از کارکنان و مدیران رده پایین انتظار انجام مقسده نداشت و به عبارتی شیوع فساد در سطوح مدیریتی بالا می‌تواند فساد در رده پایین و زیرمجموعه را موجب شود یا تشویق کند.

نظارت قانونی بر رفتار همه کسانی که به نحوی یا بیت‌العمال مسلمین در از تباط فساد و خیانت اقتصادی کارگزاران بسیار سختگیر بودند. ایشان در نامه‌ای به مندرین جارود عبیدی ضمن برکناری او از ستمش به دلیل خیانت اقتصادی چنین می‌فرماند: «شستر خاناته و بند کفش تو از تو بازارش تراست و کسی که همانند تو باشد، نه لیاقت پاسداری از مرزهای کشور را دارد و نه با شریک در امانت باشد یا از خیانتی دور ماند، پس چون این نامه به دست تو رسد، نود من بیا.»^[۳]

برای ریشه‌کن شدن فساد در کشور که شاه‌کلید گرایش بسیاری از مشکلات اقتصادی و اجتماعی جامعه است، نیازمند اصلاحات نهادی عظیمی هستیم، از جمله:

۱. نظام قضایی کارآمد: یکی از مهم‌ترین عوامل مبارزه با فساد، وجود یک دستگاه قضایی کارآمد و قضات لیسوز و پاک‌دست است.
۲. نهادهای نظارتی کارآمد: نهادهای نظارتی که به موجب قانون، وظیفه نظارت بر دستگاه‌های دولتی را دارند، متأسفانه در وظایف خود، کوتاهی کرده و فساد را در نطفه خفه نمی‌کنند. مسامحه یا حتی همگاری با عوامل فساد از دیگر نقائص ضعف این دستگاه‌هاست.
۳. برخورد شدید با مدیران فاسد و اعمال مجازات‌های بازدارنده: مجازات‌های سنگین و بازدارنده و برخورد با مفسدان کوچک، راه را برای فسادهای بزرگ و مفسدان دانه‌درشت سخت خواهد ساخت.
۴. رواج اخلاقیات در جامعه: متأسفانه کم‌رنگ شدن فضایل اخلاقی و دینی در جامعه موجب شده‌است افراد را وادار می‌سازد برای داشتن چهره موچه در نظر دیگران، به راه‌های غیرشرعی برای کسب‌روزی دست بزنند و این موضوع در سطح کلان فاجعه‌بار است.
۶. کمک و رونق تولید و عدم وابستگی به نفت: در جامعه‌ای که تولید در آن جایگاهی ندارد و از حمایت‌های لازم بر خوردار نیست و برعکس فضا برای متساعیل کاذب، دلالتی و اقتصاد زیرزمینی فراهم است، شیوع فساد هم تعبیر آن نخواهد بود. وابستگی شدید به نفت، اقتصاد را رانتهی خواهد کرد و در چنین اقتصادی، سر باز کردن خم‌های چرکی ناشی از فسادهای کلان، دور از انتظار نیست.